دلائل ذکر شهادت

بر ولایت علی علیه السلام

در اذان و اقامه

بسم الله الرحمن الرحیم

دلائل ذکر شهادت بر ولایت علی در اذان و اقامه

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

مجله حوزه

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

دلائل ذکر شهادت بر ولایت علی در اذان و اقامه

مشخصات کتاب

پرسش

چرا شیعیان در اذان و اقامه شهادت به ولایت علی(ع) می گویند؟ آیا دلائل روائی یا قرآنی وجود دارد؟ منبع پاسخ: پایگاه حوزه۵۶۰۴، ۵۶۰۴

پاسخ

اشاره

پیرامون سؤال شما توجه به نکات ذیل حائز اهمیت است:

نکته ۱.

در روایاتی چند آمده است که شهادت ثالثه و آوردن نام علی (ع) بعد از لا اله الا الله و محمدا رسول الله با خلقت آسمانها و زمین عرش و کرسی و... توأم بوده است. الف- امام صادق(ع) فرموده است که: خداوند تعالی بعد از خلقت آسمانها و زمین امر فرمود که منادی به این سه شهادت ندا دهد. [۱] . ب- در حدیثی دیگر آن امام همام(ع) فرموده است که: خداوند با خلق عرش و کرسی و...بر آنها نوشت لا اله الا الله محمد رسول الله علی امیرالمؤمنین و آنگاه فرمود:(فاذا قال احدکم لا اله الا الله محمد رسول الله فلیقل علی امیرالمؤمنین ولی الله) [۲] .

نکته ۲.

از بعضی از روایات نبوی استفاده می شود که: ذکر امام علی(ع) بعد از ذکر خدا و حضرت رسول(ص) چه در اذان باشد یا غیر اذان جایز است و در نزد خدا محبوبیت دارد [۳] . در این جا ممکن است سؤال شود پس چرا خود پیامبر(ص) آن را در اذان نیاورده است؟در جواب می توان گفت که: اولاً: تقیه اقتضاء می کرده است که نام علی(ع) در اذان نیاید همان طوری که اقتضاء می کرده است در قرآن به این نام تصریح نشود. ثانیاً: در کتاب السلافهٔ فی امر الخلافهٔ آمده است که سلمان فارسی در اذان خود شهادت ثالثه را اضافه نمود و همین موجب شد که بعضی از صحابه به نزد پیامبر شکایت ببرند ولی پیامبر(ص) به اعتراض آنها توجهی ننمود و مهر تائید بر کار سلمان زد و هم چنین در این کتاب آمده است که بعد از واقعه غدیر اباذر غفاری در اذان خود بعد از شهادتین به ولایت امیر مؤمنان علی(ع) شهادت داد، جمعی از منافقین این را نپسندیدند و آن چه را دیده بودند، به عنوان اعتراض بر پیامبر(ص) عرضه کردند پیامبر(ص) فرمود:(اما وعیتم خطبتی یوم الغدیر لعلی بالولایه، پس چه بود معنای خطبه طولانی من که در آن صحرا و گرمای شدید برای شما خواندم آیا معنای آن غیر از این بود که علی امیرالمؤمنین ولی خداست)؟ و در ادامه فرمود: مگر نشنیده اید که من گفتم آسمان سایه نیافکنده و زمین در خود جای نداده، کسی را که راستگو تر از ابی ذر باشد و آنگاه سر انجام آن گروه معترض را بر ملا نمود وفرمود:(انکم لمنقلبون بعدی علی اعقابکم. [۴] .

نقد پاسخ

اشاره

ممکن است شـما دیـدگاه ما را این گونه نقد کنید که: اولا: تقیه قابل اثبات نیست پس به روایاتی که در آن، صورتِ اذان نقل شده است اما بـدون شـهادت ثالثه [۵] عمـل می شود. ثانیـا: در سـند روایـاتی که نقـل کرده ایـد منـاقشه می شود که: الف- روایت امـام صادق(ع) را که فرمود:(فلیقل علی(ع) امیرالمؤمنین ولی الله) کسـی نقل نکرده مگر احتجاج طبرسـی و احتجاج طبر سی کتابی است که غالب اخبار و روایاتش مرسل است و این روایت هم مرسلا نقل شده است یعنی طبرسی در سال ۵۵۸ هجری وفات نموده است و امام صادق(ع) در سال ۱۴۸ هجری اما در عین حال می گویـد:روی القاسم بن معاویه قال قلت لابی عبـدالله.... پس روایات او عاری از سـند است و او خود در اول کتابش به این اعتراف می نمایـد. ب- عده ای از علماء در اعتبار کتاب احتجاج تشـکیک کرده اند و گفته انـد محتمل است این کتاب به شـش نفر منسوب باشد [۶] . ج- در کتـاب رجال نامی از قاسم بن معاویه برده نشـده است پس حال این راوی مجهول است بله در بین روات شخصـی بنام قاسم بن یزیـد بن معاویه است اما این شـخص راوی روایت احتجاج نمی باشد. ثالثا:آن چه شما گفته اید منافات با گفتار صدوق دارد چون صدوق ادخال شهادت ثالثه را در اذان به مفوضه استناد می دهد.

جواب نقد

در جواب نقـد اول می گوئیم که شـکی نیست پیـامبر عظیم الشان اسـلام واقف به عظمت ولایت بوده و به خاطر همین آن را از اول بعثت اعلاـم کرده است اما از آیات قرآن این نکته را استنباط می کنیم که آن حضـرت در اعلام رسـمی و گسترده آن ترس داشـته است و شاهـد مـا لحن تنـد این آیه قرآن است که قبل از واقعه غـدیر نازل شـده که (یا ایهاالرسول بلغ ما انزل الیك فان لم تفعل فما بلغت رسالته). [۷] . آیـا ترس پیامبر(ص) نسبت به مسائل کوچك و شخصـی بوده است یا خوف این را داشـته انـد که با اعلام این نکته اساس اسـلام و نهالی که برای رشد و شـکوفایی آن همه زحمت کشـیده شده در معرض خطر قرار خواهد گرفت؟ و این همان است که در آن ماجرا خداوند پیامبرش را این گونه مورد خطاب قرار می دهد که:(الیوم یئس الذین کفرو من دینکم فلا تخشوهم و اخشون). [۸] . و لذا بزرگانی چند عدم جعل شـهادت به ولایت حضـرت علی(ع) را در اذان و اقامه در این راسـتا ارزیابی می نمایند بلکه عقیـده دارند که عدم تصـریح به ولایت آن حضـرت در قرآن هم به خاطر تقیه بوده است، همان طوری که در روایت هم بدان اشاره شده است [۹] . زیرا کنایه و عـدم تصـریح در عین زیبایی مضاعف هم وافی به مقصود است و هم موجب عـدم عدم تحریک معانـدان در اسـقاط آیـات قرآن می گردد و همین عاملی در حفظ اسـلام گشـته است. و اما جواب نقـد دوم: کسـی از علماء از این گونه روایـات به جزئیت شـهادت ثـالثه اسـتدلال ننموده است [۱۰] و لـذا از فقهـای شـیعه کمتر کسـی پیـدا می شود که گفته باشـد شهـادت ثـالثه جزء اذان است منتهی از مجموع ادله ای که در نزد آنها بوده گفته انـد که مسـتحب است شـهادت ثالثه در اذان گفته شود اما نه به قصـد جزئیت [۱۱] همـان طوری که مسـتحب است بعـد از شـهادت به رسالت پیامبر(ص) گفته شود": اللهم صل علی محمد واله. "علاوه روایاتی که این گونه اند اگر به اخبار تسامح در ادله سنن ضمیمه گردند می توانند مورد توجه قرار گیرند لذا از امـام صادق(ع) روایت شـده است که" من بلغه عن النبی(ص) شـی من الثواب فعمله کان له اجرا ذلك و ان کان رسول الله لم یقله" [۱۲] . بله علمـایی قائل به جزئیت یا وجوب شـهادت ثالثه در اذان شـده انـد اما نه با اتکاء به این روایات ضـعیف بلکه برای فتوای به وجوب خود دلیل اقامه کرده انـد و این روایات را به عنوان یکی از مؤیـدات ذکر نموده انـد مثلا صاحب کتاب االشـهاده بالولایه فی الاـذان، پیرامون روایت احتجاج می نویسـد: صاحب احتجاج در این کتاب اسانیـد روایات را نیاورده است و لـذا از جهت علمی فقیه نمی توانـد به چنین روایاتی اعتماد کنـد و به اسـتحباب فتوی دهـد اما علمای ما به مفاد این روایات فتوی داده انـد و این قاعده مورد پذیرش خیلی از علماء می باشد که عمل مشـهور به روایت مرسـله یا ضـعیف، نقص سـند آن روایت را جبران می کند. [۱۳] . و در

ادامه بحث در همان کتاب می گویند: الان شهادت ثالثه شعار شیعه شده است و لذا بعضی از بزرگان مثل مرحوم حکیم در کتاب مستمسک قائل به وجوب شهادت ثالثه در اذان می باشد به لحاظ این که این شعار مذهب شده است و ترک آن به مذهب ضرر می رساند [۱۴] . پس این احتمال قوی می نماید که بگوئیم شهادت ثالثه از زمان پیامبر(ص) در اذان داخل شده است و آن گاه که شیعه از تقیه خارج شد، رواج پیدا نمود و لذا نمی توانیم گفتار ذیل را درست ارزیابی نمائیم که": شهادت ثالثه (داخل کردن اشهد ان علی ولی الله) از جمله کارهایی است که صفویه در اذان مرتکب شده اند و این همان است که بعضی از غلات سعی در تنفیذ آن در قرن چهارم هجری داشته اند اما علمای شیعه امامیه آن را به شدت مردود و بدعت حرام شمرده اند همان طور که صدوق در کتاب من لا یحضره الفقیه نقل نموده است. "بله می توانیم با گفتار ذیل موافق باشیم که: در زمان صفویه شیعه از تقیه خارج گشت و در پرتو درایت محقق کرکی در این زمان دو جمله اشهد ان علیا ولی الله و حی علی خیرالعمل که در اثر حملات دشمنان کینه توز (بین سالهای ۵۲۸-۴۴۷)از بین مردم رخت بسته بود، احیاء گردید. [۱۵] . حال با این مقدمه به نقد اشکال سوم می پردازیم که خود حدیث مفصلی دارد. شیخ صدوق در کتاب من لا یحضره الفقیه گفته است: هَذَا هُوَ الْأَذَانُ الصَّحِيحُ لَا يُزَادُ فِيهِ وَ لَا يُنْقَصُ مِنْهُ وَ الْمُفَوِّضَةُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ قَدْ وَضَعُوا أَخْبَاراً وَ زَادُوا فِي الْأَذَانِ مُحَمَّدٌ وَ آلُ مُحَمَّدٍ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ مَرَّتَيْنِ وَ فِي بَعْضِ رِوَايَاتِهِمْ بَعْدَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللَّهِ أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيّاً وَلِيُّ اللَّهِ مَرَّتَيْنِ وَ مِنْهُمْ مَنْ رَوَى بَدَلَ ذَلِكَ أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيّاً أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ حَقّاً مَرَّتَيْنِ وَ لَا شَكَّ فِي أَنَّ عَلِيّاً وَلِيُّ اللَّهِ وَ أَنَّهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ حَقّاً وَ أَنَّ مُحَمَّداً وَ آلَهُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ وَ لَكِنْ لَيْسَ ذَلِكَ فِي أَصْلِ الْأَذَانِ [۱۶] . ولی ما با توجه به عظمت و بزرگی شیخ صدوق، ملاحظاتی نسبت به این کلام داریم: اولا- ایشان در تعریف مفوضه گفته اند که مفوضه فرقه گمراهی می باشند که می گویند: خدا پیامبر اسلام(ص)را خلق نموده است و خلق دنیا را به بوی واگذار کرده است و بعضی هم گفته اند: بلکه این را به علی(ع) واگذار کرده است و اینها از معتزله و احزابشان می باشند که قائلند اعمال بندگان به خود آنها تفویض شده است. [۱۷] . در حالی که در جای دیگر می فرمایند: (ان الغلاة و المفوضة لعنهم الله ینکرون سهو النبی(ص) و یقولون لو جاز ان یسهو فی الصلاة لجاز ان یسهو فی التبلیغ لان الصلاة علیه فریضة کما ان التبلیغ علیه فریضة) [۱۸] . و لازمه حرف ایشان این است که همه آنهایی که به سهو النبی اعتقاد ندارند از غلات و مفوضه به شمار آیند در حالی که اگر این گونه باشد باید کل شیعیان به غیر از صدوق و استادش از مفوضه باشند چون شیعیان درطول تاریخ قائل به عدم سهو النبی بوده اند. [۱۹] . (انفوا عنا الربوبیه و قولوا فینا ما شئتم، یعنی از ما ربوبیت را نفی کنید و آنگاه هر فضیلتی را که می خواهید برای ما اثبات کنید) [۲۰] حال با توجه به این مقدمه می توانیم بگوئیم شاید آنهایی که صدوق به آنها نسبت مفوضه داده است از این دسته بوده اند و لذا مناسب به نظر می رسید که ایشان اسامی آنها را ذکر می کرد تا محققین نسبت به این انتساب هم بحث می نموده اند همان طوری که درباره عده ای از منسوبین به غلو و تفویض بحث کرده اند و سلامت آنها را اثبات نموده اند. ثانیا از بیان ایشان این نکته به دست می آید که ایشان با جزئیت شهادت ثالثه مخالف هستند زیرا مفوضه را که قائل به جزء بودن شهادت ثالثه در اذان بودند لعنت کرده و علاوه فرموده است": لا شک ان علی ولی الله...و لکن لیس ذلک من اصل الاذان "و اما قریب به اتفاق علمای شیعه قائل به جزئیات شهادت ثالثه در اذان نمی باشند. [۲۱] و تنها محبوبیت و رجحان شهادت ثالثه را در اذان اثبات می نمایند و این همان چیزی است که از کلام شیخ صدوق نفی آن استفاده نمی گردد، پس می توان گفت که طبق نظر شیخ صدوق اگر شهادت ثالثه در اذان بدون قصد جزئیت آورده شود رجحان دارد. ثالثا: همین گفتار ایشان دلیل بر وجود روایاتی است که دال بر جزئیت شهادت ثالثه بوده اند و چون ایشان آنان را از جعلیات مفوضه می دانسته است از نقل آنان خودداری نموده است در حالی که (اعترافه بورودها روایة و رده لها درایة و الروایة لا تعارضها الدرایة) و اسلوب بحث و اجتهاد اقتضا می کرده است که ایشان در وهله اول آن احادیث را نقل و آنگاه با بیان اشکالات سند یا متن به صحت و سقم روایات حکم کنند اما این که از اساس چنین روایاتی را ذکر نکنند و از صفحه روزگار محو نمایند، روش علمی تلقی نمی گردد، و این بدان خاطر است که ممکن است متقدمین در سند یا دلالت روایاتی

اشکال کنند اما متأخرین آن مناقشه را نپذیرند. رابعا: شیخ صدوق گر چه حق بزرگی بر گردن شیعه دارد اما تجلیل از ایشان با خطا انگاشتن سخن ایشان منافاتی ندارد. او معصوم نبوده که گفتارش بر دیگران حجت باشد و لذا شیخ عبدالنبی عراقی در تعلیقه خود بر کلام شیخ صدوق می نویسد: کسی از امامیه نگفته است که از شرایط حجیت خبر عمل صدوق و عدم اعراض او می باشد پس به درستی که برای صدوق فتوای نادره ای است که احدی از فقهاء با ایشان موافقت نکرده است مثل مسأله سهو النبی و کنار گذاشتن اخباری که دلالت بر عدم سهوالنبی دارند و وجوب حج در هر سال بر هر کسی که متمکن از آن است و جواز وضو و غسل با آب مضاف و پاک بودن خون اگر کمتر از یک نخود باشد و پاک بودن خمر و نجس نشدن آب قلیل به ملاقات با نجاست و... [۲۲] . خامسا: شیخ طوسی از این اخبار و احادیث به شواذ تعبیر آورده است و همین تعبیر خود حکایت از آن دارد که راوی این گونه روایات ثقه بوده اند منتهی شاذ و مخالف با آن چه مشهور روایت کرده اند، می باشند و این خود دلالت بر صحت این احادیث دارد اما فقهاء بدان عمل نکرده اند. [۲۳] . واگر به این قائده تسامح در ادله سنن اضافه گردد می تواند دلیل باشد که قول صدوق اگر عدم رجحان مطلق شهادت ثالثه و حکم به گمراهی قائل به رجحان مطلق باشد، وجهی ندارد سادسا: از کلام شیخ صدوق بر می آید که در قرن چهارم هجری که عصر ایشان بوده است شهادت ثالثه در اذان بوده است و آن زمان به عصر غیبت صغری و نواب اربعه نزدیک است و لذا می توان گفت که اگر شهادت ثالثه بدعت بوده باید در توقیعات صادره از حضرت حجت(ع) نهی ای نسبت به این وارد می شده همان طوری که نهی و تبری در باره اهل بدع و باطل مثل شلمغانی و... صادر شده است، در حالی که چنین چیزی از آن حضرت درباره شهادت ثالثه در اذان صادر نشده است.

نتیجه

نتیجه این که از لحاظ تاریخی این احتمال بسیار قوی است که اصل تشریع شهادت ثالثه در اذان در زمان پیامبر(ص) اتفاق افتاده اما روی جهاتی در آن زمان اعلام نشده است و این نه تنها مورد تأیید ادله خاصی است که بیان شد، به وسیله ادله عامه ولایت حضرت علی(ع) نیز تأیید می گردد ولی با این حال علمای شیعه می گویند چون اذان عبادت است و این احتمال وجود دارد که شهادت ثالثه جزء آن نباشد مستحب یا واجب است که آن را به جا آورند اما نه به قصد جزئیت و تفاوت اذان با سایر عبادات مثل نماز در این است که در بین اذان می توان حتی کلام بیهوده گفت چه برسد به کلام حقی اما نماز از چنین خصوصیتی بر خوردار نیست.

پاورقی

[۱] بحارالانوار جلد ۳۷ صفحه۲۹۵حدیث ۱۰ باب ۵۴- امالی صدوق مجلس۸۸ ظاهرا این ندا برای اجابت کسانی بوده است که در عالم ذر وجود داشته اند.امام باقر(ع) در حدیثی فرمود: ان الله اخذ من بنی آدم من ظهورهم ذریتهم فقال الست ربکم و محمد رسولی و علی امیرالمؤمنین قالو بلی. (الیقین لابن طاووس ص۸۸،۵۵،۵۰).

[۲] بحار الانوار جلد ۲۷صفحه۱، جلد۱باب۱.

[۳] بحار جلد ۳۸صفحه۳۱۸ و۳۱۹ حدیث۲۷ باب ۶۷ و جلد ۲۷ بحار صفحه ۸ جلد ۱۶ باب ۱۰ و همان باب۱.

[۴] السلافهٔ فی امر الخلافهٔ، شیخ عبدالله مراغی از علمای اهل سنت که در قرن هفتم می زیسته است، کتاب ایشان از جمله کتب خطی است که در کتابخانه ظاهریه دمشق موجود می باشد.

[۵] الذخیرهٔ صفحه۲۵۴- مرحوم نراقی در مستند الشیعهٔ فی احکام الشریعهٔ قول به حرمت ادخال شهادت ثالثه را نقل می کند که عده ای گفته اند چون کیفیت منقوله اذان از شهادت ثالثه خالی بوده پس مطلقا حرام است که شهادت ثالثه را در اذان داخل کنیم و آن گاه در جواب آن می گوید: در اذان توالی و عدم فصل شرط نیست و لذا کلام لغو هم در بین اذان حرام نیست پس چگونه می

توان گفت که ذکر کلام حق حرام است با این که عموماتی داریم که ذکر شهادت ثالثه را تائید می نمایند.

[۶] صیانهٔ القران من التحریف/ محمد هادی معرفت ص ۲۳۱.

[۷] سوره مائده آیه ۶۷ با عنایت به این آیه قرآن عده ای فرموده اند که چون عدم اعلان ولایت حضرت علی (ع) معادل عدم تبلیغ رسالت قلمداد شده است پس باید لا اقل به استحباب شهادت ثالثه در کنار شهادت به رسالت قائل شد زیرا طبق این آیه قران اگر ولایت اعلان نگردد در واقع رسالت هم اعلان نشده است. ر.ک: فقهیات بین السنه والشیعه، عاطف سلام ص ۶۹-۶۲.

[۸] سوره مائده آیه۳.

[۹] معلقات، آیت الله گرامی صفحه ۱۵۶–عدّهٔ النجفیهٔ فی شرح اللمعهٔ الدمشقیهٔ،کیفیهٔ الاذان و.... [

[۱۰] ان لم یستبعد الجزئیهٔ العلامه المجلسی و صاحب کتاب الحدائق و الشیخ محمد حسین کاشف الغطاء،و آیت الله السید میرزا ابراهیم الاصطهباناتی النجفی یعتقد الجزئیهٔ واقعا و لکن الظروف لم تساعد النبی علی اعلام الامهٔ بها.

[۱۱] غنائم الایام،میرزا ابوالقاسم قمی ص ۱۷۰–بحار ج۸۴ باب اذان واقامه– حدائق الناظره کتاب الصلاه.

[۱۲] المحاسن جلد۱ صفحه ۲۵ و روی نحوه الکلینی فی الکافی علی ما فی هامش مرآهٔ العقول جلد ۲ صفحه ۱۰۶ باب من بلغه ثواب،تاریخ بغداد،خطیب جلد ۸ صفحه ۲۹۶ المناوی فی الفیض القدیر جلد ۶ صفحه ۹۵.

[۱۳] الشهاده بالولایهٔ فی الاذان، سید علی حسینی میلانی صفحه ۲۸.

[۱۴] همان صفحه ۴۳. در بعضی از تعبیرات آمده است: شکی نیست که ولایت معصومیه که اصل ولایت بعد ولایت الهیه می باشد، اساس فرایض اسلام است و شکی هم نیست که اعلام آن هم از شعائر الله می باشد وظاهر کتاب وسنت وجوب حفظ شعائر است...علاوه اعلان این ولایت در مظانش محبوب اکید خداوند است و از اهم مظانش اذان و اقامه است چون اذان برای اعلان عمود دین است وولایت بالاتر از نماز می باشد،علاوه روایت امام صادق (ع) در احتجاج به این شهادت امر می کند... پس احتیاط به ذکر ولایت ترک نشود و لو یک بار اما نه به قصد جزئیت. (ر.ک: معلقات جلد۲صفحه۱۵۶).

[۱۵] رجوع شود به مجله مبلغان شماره ۲۴.

[۱۶] جلد۱ کتاب الصلوه باب الاذان.

[۱۷] صفحه ۲۹۰.

[۱۸] صفحه۳۵۹.

[۱۹] روضه المتقین جلد۲ مرحوم مجلسی اول صفحه۲۴۵.

[۲۰] ارشاد القلوب جلد ۲ صفحه ۴۲۷– و به همین مضمون است روایاتی که در منابع ذیل نقل شده است بحار جلد۲۵صفحه۲۸۹– بحار جلد ۴۷ صفحه ۱۴۸–۸کشف الغمه جلد ۲ صفحه۱۹۷.

[۲۱] گر چه مفاد بعضی از روایات جزئیت است. موسوعه الفقه جلد۹ کتاب الصلاه سید محمد شیرازی.

[۲۲] رساله الهدایه فی کون بالولایه فی الاذان والاقامه جزء کسائر الاجزاء صفحه ۳۹.

[۲۳] رساله الدرایه شهید ثانی صفحه ۱۳.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید

بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّـلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگـانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابـل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عـده ای خیر انـدیش اداره و تامین گردیـده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضـر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صـاحب اصـلی ایـن خـانه (قـائمیه) امیـد داشـته و امیـدواریم حضـرت بقیه الله الاـعظم عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف تـوفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شـماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شـماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج – به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهـده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جـدا کرده است و از علوم مـا که به دستش رسیده، به او سـهمی دهـد تا ارشاد و هـدایتش کنـد، خداونـد به او می‌فرمایـد: «ای بنـده بزرگوار شریـک کننـده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشـتگان من! برای او در بهشت، به عـدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یـا مردی نـاصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زیـد: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخوانـد و او اجابت کنـد، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



قائمیه اصفهان



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی

www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹